

## فصلنامه بین المللی قانون یار

License Number: 78864 Article Cod: 2020S4D15SH1M324 ISSN-P: 2538-3701

### نقش ضابطان دادگستری و تعاونی های مرزی در پیشگیری و کنترل قاچاق کالا و ارز

(تاریخ دریافت ۱۳۹۹/۰۳/۱۵، تاریخ تصویب ۱۳۹۹/۰۹/۱۲)

دکتر محبوبه کهزادی<sup>۱</sup>

معصومه کهزادی بصری

دانشجوی کارشناسی ارشد جزا و جرم شناسی دانشگاه آزاد واحد خوراسگان

#### چکیده

قاچاق کالا یکی از مهم ترین عواملی است که امنیت اقتصادی و اجتماعی جامعه را به مخاطره می اندازد و خسارت های مادی و معنوی فراوانی را به جامعه وارد می سازد. با توجه به تأثیرات شدیدی از جمله رکود اقتصادی، تورم، عدم اشتغال زایی و تولید داخلی و ... و عدم امنیت سیاسی و اجتماعی که قاچاق کالا به بار می آورد باعث فساد و تخریب بنیادین ریشه های اقتصادی کشور میشود. در این تحقیق به بررسی نقش بازارچه های (تعاونی) مرز نشین می پردازیم که این بازارچه ها چه تأثیراتی بر قاچاق کالا دارد. زیرا نواحی مرزی به دلایل دوری از مرکز و انزوای جغرافیایی و توسعه نیافتگی و ... تفاوت فاحشی از نظر رفاه و توسعه با مرکز دارند و ایجاد و فعالیت بازارچه های مرزی میتواند باعث تعدیل رابطه و بهبود در رفاه منطقه گردد. و این سوال به وجود می آید که با تاسیس این بازارچه ها تا چه میزان می توان شاهد رشد و توسعه اقتصادی شد و آیا این بازارچه ها میتوانند از قاچاق کالا پیشگیری نماید؟ نتایج حاصل از این پژوهش نشان داد که بازارچه مرزی میلک توانسته تا حد زیادی قاچاق کالا را در این منطقه کاهش دهد. تجزیه تحلیل فرضیات نشان داد که بازارچه در کاهش قاچاق کالا و زمینه های ارتکاب آن نقش موثر و تأیید کننده داشته است چرا که بازارچه با ایجاد شغل های زیادی چه بصورت مستقیم و غیر مستقیم توانسته پدیده شوم قاچاق کالا را کنترل کند.

**واژگان کلیدی:** مرز، قاچاق کالا، پیشگیری، بازارچه

<sup>۱</sup> نویسنده مسئول



## مقدمه

مناطق مرزی از نقاط حساس و استراتژیک کشور به شمار میروند. طبیعت منزوی و غیر حاصلخیز مناطق مرزی به خصوص در عرصه های کوهستانی و بیابانی ایران به دلیل فقدان رفاه و نبود انگیزه های لازم برای زندگی زمینه ساز مشکلات سیاسی، اقتصادی و امنیتی دولت های وقت بوده است. ناتوانی این مناطق در تولید، فقدان اشتغال، نازل بودن درآمد و عدم دسترسی به نیازهای اولیه، عمده ترین مشخصه اقتصادی اجتماعی این مناطق است که زمینه را برای معضلات و نابسامانی هایی چون مهاجرت، قاچاق کالا و شورش و ناامنی در این مناطق فراهم آورده است. گستردگی طول مرزهای کشور و کوهستانی و صعب العبور بودن مرزها در اکثر نقاط، عملیات مرزبانی کنترل مرزها را بدون مساعدت مرزنشینان مشکل کرده که این خود یکی از عوامل گسترش قاچاق و دشواری های مبارزه با آن است، بنابراین امروزه عدم کنترل و عملیات پنهان قاچاق کالا موجب شده است تا دولت ها در سالم سازی مناطق مرزنشین به شیوه های نوینی از همکاری های منطقه ای هدایت شوند این گونه همکاری ها در قالب بازارچه های مشترک مرزی از شناخته ترین روش های توسعه اقتصادی مناطق مرزنشین به شمار می رود، ساکنان مرزی اغلب افرادی هستند که زمینه های مساعد برای اشتغال پیدا نکردند. تبعیض و نابرابری در بهره مندی از فرصت های اشتغال و درآمد مشکلی است که بیشتر استان های مرزنشین گرفتار آن هستند که پیامد هایی چون فقر، مهاجرت و قاچاق را در پی دارد. با نظر به این امر که تشکیل و تقویت تعاونی های مرزنشین نقش موثری بر رونق بخشیدن فعالیت های اقتصادی، ایجاد اشتغال، ایجاد انگیزه برای تداوم اسکان مرزنشینان در مناطق مرزی و مهمتر از همه تامین امنیت مرزها خواهد داشت و موجبات توسعه یافتگی مناطق مرزی و رفاه نسبی در این مناطق شده و زمینه کاهش برخی از مشکلات مرزی از قبیل قاچاق کالا، مواد مخدر و ... را فراهم آورده و در نهایت موجب پیشگیری از قاچاق کالا خواهد شد. بازارچه مرزی منطقه ای است محصور، واقع در نقاط مرزی، که مطابق با استاندارد های تعیین شده توسط دولت، به صورت مستقل یا در قالب تفاهم نامه ی منعقد شده بین جمهوری اسلامی ایران و کشورهای هم جوار تاسیس میشود. مرزنشینان میتوانند کالاها و محصولات مجاز را با



رعایت قانون در بازارچه های مشترک مرزی مبادله نمایند. ایجاد بازارچه های مرزی را میتوان در راستای گسترش همکاری های منطقه ای تلقی کرد و به عنوان بخشی از یک راه حل اقتصادی برای کاهش بحران منطقه ای، ایجاد کننده ثبات و امنیت در مناطق مرزی و گسترش فعالیت های تولیدی و تجاری محسوب میشود. به این طریق میتوان رفاه حاصل از تجارت را در این مناطق که از محرومیتی مضاعف نسبت به سایر نقاط کشور برخوردارند، فراهم کرد. به عبارت دیگر بازارچه های مرزی محصول اقتصادی بسته میباشند، که به دنبال ایجاد درجه ای برای صادرات و واردات با موانع کمتر بوده و میباشند. با توجه به این که استان سیستان و بلوچستان به عنوان یکی از استان های مرزی دارای مرز مشترک با کشورهای همسایه میباشد، همواره از پدیده قاچاق متحمل ضرر های اقتصادی و امنیتی فراوانی شده است بر این اساس تصمیم گرفته شد که به بررسی نقش تشکیل تعاونی های مرز نشین (بازارچه های مرزی) استان سیستان و بلوچستان در پیشگیری از قاچاق کالا، سوخت، مواد مخدر و تقویت امنیت مرز در این منطقه پرداخته شود. به این منظور بازارچه مرزی میلک در شهرستان زابل به عنوان نمونه مورد بررسی قرار خواهد گرفت. بازارچه مرزی میلک بر اساس مصوبه شورای عالی امنیت ملی و در راستای اهداف گوناگون سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ایجاد گردید. از اهداف مهم ایجاد این بازارچه میتوان به رسمی کردن مبادلات میان ایران و کشور همسایه افغانستان، ایجاد اشتغال برای مردم بومی، بالا بردن درآمد آنان از طریق تبادل کالا، جلوگیری از قاچاق کالا و مواد مخدر، حفظ ثبات و امنیت مرزی منطقه، همکاری با نیروی انتظامی و بهبود مسائل اجتماعی و فرهنگی مردم این مناطق اشاره کرد. این بازارچه در مجاورت روستای میلک و در جوار رودخانه مرزی مشترک پریان و در نزدیکی شهر زرنج مرکز ولایت نیمروز افغانستان قرار دارد.

### بخش اول: بازارچه مرزی

بازارچه مرزی محوطه ای است محصور واقع در نقطه صفر مرزی و در جوار گمرکات مجاز به انجام تشریفات ترخیص کالا قرار دارد. دو طرف می توانند کالا و محصولات مورد نیاز خود را با رعایت مقررات صادرات و واردات در این بازارچه عرضه نمایند. به عبارت دیگر مرزنشینان دوطرف مرز می توانند کالاها و محصولات مورد نیاز کشور را با رعایت مقررات





صادرات و واردات و ضوابط مقرر در ماده ۲۲ آیین نامه اجرایی با اولویت دادن به هدف های این قانون برای داد و ستد در این بازارچه عرضه نمایند و طبق بند ۸ ماده مذکور، کلیه اشخاص حقیقی ساکن مناطق مرزی و اشخاص حقوقی که در مناطق مذکور فعالیت می نمایند، مجاز به فعالیت در بازارچه های مرزی هستند. (عبدی، عرفان، اردیبهشت ۱۳۸۸، ص ۳۳). بازارچه های مرزی بخشی از بازرگانی خارجی کشور می باشد که برای مبادلات مرزی مردم منطقه مرزنشین در نظر گرفته شده است، با در نظر گرفتن قوانین و مقررات مربوط به صادرات و واردات کشور، برای فعالیت تجاری این گروه تسهیلات ویژه ای در نظر گرفته شده است. از جمله اهداف بازارچه های مرزی، امکان برقراری ارتباط سالم و مستمر تجاری با کشورهای همسایه، ایجاد رونق اقتصادی، بالا بردن ضریب امنیتی مرزهای کشور، شکوفایی استعداد محلی، ایجاد و گسترش مشاغل مولد می باشد. به فعلیت در آمدن این شاخص ها ضمن جلوگیری از مهاجرت ساکنان مناطق مرزی و افزایش رفاه مرز ها و توسعه مناسبات سیاسی و تجاری با کشورهای همسایه، جلو رشد قاچاق را هم میگیرد. (عبدی، عرفان، ۱۳۸۸، ص ۳۴). بنابراین اهداف تأسیس بازارچه های مرزی و توسعه مبادلات از طریق این واحد عمدتاً به استناد ماده ۱۱ قانون مقررات صادرات و واردات (ماده ۱۱ به دولت اجازه داده است که از هر یک از مناطق مرزی که مساعد به ایجاد بازارچه های مرزی است با رعایت اولویت هایی مانند: استعداد های محلی، ضرورت توسعه روابط تجاری با کشورهای همجوار و لزوم تقویت زمینه های اشتغال به تأسیس بازارچه مرزی اقدام نماید.} به این صورت می باشد:

- ۱- ایجاد زمینه های اشتغال؛
- ۲- تأمین نیازهای کالایی مناطق مرزی؛
- ۳- کاهش قاچاق؛
- ۴- تثبیت جمعیت مرزنشین در نواحی مرزی و در راستای افزون سازی ضریب امنیت ملی در نقاط استراتژیک؛
- ۵- رونق بخشیدن به اقتصاد مناطق مرزنشین؛

۶- وقوف برامکانات بالقوه تجاری کشور های همسایه و گشودن باب

مراودات تجاری با آنها. (عبدی، عرفان، ۱۳۸۸، ص ۴۶).

به هر حال طرح ایجاد بازارچه های مشترک مرزی در جهت تعمیم سیاست های راهبردی توسعه و تثبیت منطقه مرزنشین، کاهش قاچاق کالا و تقویت تولید داخلی و هم سو نمودن این مناطق با خط مشی های تعریف شده در برنامه های توسعه اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی کشورمان چند سالی می باشد که آغاز به کار نموده است. البته این نکته قابل ذکر است که عناوین بازارچه ها در هر منطقه ذهنیتی را در مردم منطقه ایجاد نموده است و تصور می نمایند بازارچه مکانی برای عرضه مایحتاج آنها و فروش کالا های ارزان است. به منزله یک بازار محلی برای داد و ستد به آن نگریسته می شود که در واقع به همین منظور تأسیس شده اند ولیکن عملاً در این راستا سوق نیافته اند. در واقع هدف از تقویت و ایجاد بازارچه های مرزی افزایش و توسعه صادرات محصولات غیر نفتی و فعال نمودن کانال های بالقوه تجاری کشور است که احتمالاً به شکل غیر رسمی در حال فعالیت هستند. امکان برقراری ارتباط تجاری سالم و مستمر با کشور های همسایه، ایجاد رونق اقتصادی در مناطق مرزی، بالا بردن ضریب امنیت مرز های کشور، شکوفایی استعداد های محلی، ایجاد و گسترش مشاغل مولد از دیگر نتایج مثبت این بازارچه ها است. یکی از ویژگی های تشکیل بازارچه های مرزی مسئله امنیت، بازارچه های مرزی با توجه به ساختارشان توانسته اند مسئله امنیت مرز ها را تا حدودی بر آورده نمایند و این مسئله روی شرایط اقتصادی مناطق مرزی تأثیر به سزایی داشته است. چرا که تشکیل بازارچه های مرزی بر تأمین نیازمندی های اساسی مرزنشینان با قیمت های مناسب کمک کرده و گذشته از آن راهی برای صدور کالا های غیر نفتی است که زمینه اشتغال برای مرزنشینان فراهم می کند. نیرو های انسانی فاقد شغل در مناطق مرزی اهرمی است در دست دشمن که با کمک این اهرم می تواند مقاصد خود را بر علیه دولت به دست های همان کشور انجام دهد. (فتح الهی، سعید، و همکاران، سال ۱۳۹۰، پیش شماره ۲، ص ۹۸). اهالی مرزنشین در بسیاری از نواحی مرزی با افراد آن سوی مرز رابطه های فرهنگی، خویشاوندی، قومی و اجتماعی داشته، وجود زبان مشترک و آداب و رسوم اجتماعی نزدیک به هم سبب



نزدیکی ساکنین این نواحی به یکدیگر شده است. این امر باعث می شود بازارچه های دو سوی مرز حالت بومی برای ساکنین دو طرف پیدا نماید، طرفین با اطمینان و شناخت بیشتری به مبادله با یکدیگر پردازند، زبان مشترک این ارتباطات را نزدیک تر نموده است. برای نمونه بازارچه های مرزی در ناحیه کرد نشین عراق تمایل زیادی به مبادله با مناطق کردنشین کشور ایران دارند، یکی از دلایل رونق بازارچه ها در این ناحیه را می توان وجود مشترکات فرهنگی و قومی دانست. (عاشری، امامعلی، نور محمدی، سمیه، قادری، دکتر رضا، رستمی، علیرضا، خرداد ۱۳۹۱، ص ۱۱). روابط سیاسی کشور با همسایگان اثرات مستقیمی بر رونق یا عدم فعالیت بازارچه های مرزی داشته است و یکی از محور های گفتگوی مقامات بلند پایه دو کشور و همچنین مقامات استانی، بازارچه های مرزی بوده است. لذا هرگاه این ارتباطات با ثبات و روابط صمیمانه بوده، روز های پر رونق را می توان در بازارچه ها مشاهده کرد اما متأسفانه در برخی موارد این ارتباطات تحت تأثیر متغیر های سیاسی قرار گرفته و روند بازدارنده ای را برای فعالیت بازارچه ایجاد می نماید. به همین دلیل برخی از بازارچه ها بعضی از سال ها پر رونق بوده، در سال های بعد حتی تا مرز تعطیلی پیش میروند و ناگهان دوباره فعال می شوند. لذا به نظر می رسد متغیر های سیاسی از جمله متغیر های با اهمیت و تأثیرگذار بر حیات بازارچه ها می باشند، ضمن اینکه روابط تجاری نیز می تواند بر روابط سیاسی تأثیرگذار باشد. برخی مطالعات تجربی نشان می دهد وجود روابط اقتصادی بین دو کشور از بروز جنگ و ستیز بین آنها جلوگیری نموده است. (عاشری، نور محمدی، قادری، رستمی، ۱۳۹۱، ص ۱۱).

### بخش دوم: مفهوم قاچاق

ورود و خروج کالا و ارز به کشور به صورت قاچاق و غیر قانونی که اغلب به منظور تحصیل سود و بهره انجام می گیرد، به تدریج به چرخهای بزرگ تبدیل شده و درصد قابل توجهی از نیروی انسانی جامعه را به خود مشغول کرده و به گونه ای که قاچاق یکی از بحث های عمده اقتصاد زیرزمینی را تشکیل می دهد و تأثیر آن بر اقتصاد کشور اجتناب ناپذیر می باشد. به همین دلیل تأمل و بررسی دقیق تر و شناخت بیشتر این پدیده نامطلوب اجتماعی و



اقتصادی، برای مقابله بهتر با آن ضروری و اجتناب ناپذیر به نظر می‌رسد. در معنای حقوقی قاچاق در قوانین کیفری ایران تا سال ۱۳۹۲ تعریف صریح و روشنی از قاچاق وجود نداشت و قانونگذاران ارتکاب یک دسته مشخص از اعمالی را مجرمانه تلقی نموده که در واقع تنها مصادیق آن را بیان نموده بودند. در حالی که قاچاق فعلی انسانی است و باید تعریف مشخص و شفافی برای آن ارائه می‌کردند که کمیسیون استفتائات و مشاورین حقوقی شورای عالی قضایی در تاریخ ۱۳۶۲/۲/۱۹ درباره پرسش مربوط به تعریف قاچاق چنین بیان نموده است چنانچه کسی از مالی که موضوع در آمد دولت است، بدون پرداخت آن در آمد، استفاده نماید و یا مالی که ورود یا صدور آن ممنوع می‌باشد وارد یا صادر نماید و یا مالی را که در انحصار دولت می‌باشد از طریق توزیع نیمه دولتی تحصیل کند. مرتکب قاچاق شده است و نتیجتاً قاچاق: عبارت است از مال موضوع درآمد دولت بدون پرداخت آن در آمد و با ورود و صدور مال ممنوع و یا تحصیل اموال انحصاری از غیر کانال دولتی" اما قانونگذار در قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲/۱۰/۳ این ابهامات را در ماده ۱ که تعریفی از قاچاق کالا و ارز می‌باشد از میان بر می‌دارد که در بند الف ماده مذکور بیان می‌کند: "قاچاق کالا و ارز: هر فعل یا ترک فعلی است که موجب نقض تشریفات قانونی مربوط به ورود و خروج کالا و ارز گردد و براساس این قانون و یا سایر قوانین، قاچاق محسوب و برای آن مجازات تعیین شده باشد، در مبادی ورودی یا هر نقطه از کشور حتی محل عرضه آن در بازار داخلی کشف شود. در قانون فوق ذکر قانونگذار نوآوری‌هایی انجام داده که باعث سخت‌گیری و عملکرد جدی‌تر نسبت به قاچاق کالا شده است که تا حد امکان از مبادلات غیررسمی که باعث اختلال در نظام اقتصادی و امنیتی کشور می‌شود جلوگیری نمود، برای شناخت بیشتر این مبادلات باید به شرح مبادی پردازیم که خود این مبادی به دو دسته رسمی و غیررسمی تقسیم می‌شود و خود مبادی رسمی نیز به دو دسته عام و ویژه تقسیم می‌شوند.

1- مبادی رسمی عام: مناطقی است که گمرک جمهوری اسلامی ایران و یا نمایندگی دستگاه مزبور در آن حضور داشته، نسبت به اعمال مقررات گمرکی اقدام نماید مانند بنادر، فرودگاه‌های بین‌المللی و مرزهای زمینی که گمرک در آن جا مستقر است.



۲- مبادی رسمی ویژه: طبق قوانین و مقررات در اختیار سازمان های خاص می باشند. مانند اسکله های ویژه نفتی و اسکله های تحت اختیار شیلات و نیروهای مسلح

۳- مبادی غیررسمی: به سایر مبادی اعم از دریایی، زمینی، از نقطه صفر مرزی و هوایی گفته می شود.<sup>۱</sup> ضیائی، محمدرضا، ۱۳۸۹، ص ۱۹. طبق یافته های انتظامی و بنا به دلایلی در حال حاضر حدود ۵۰ درصد حجم قاچاقی که از مبادی غیر رسمی وارد کشور می گردد از طریق مرزها آبی جنوب کشور صورت می گیرد طبق قوانین و مقررات کالاها بارگیری شده در شناورهای تجاری زمانی قاچاق تلقی می گردد که در نقاط غیر مجاز در حال تخلیه باشد.<sup>۱</sup> محمودی، حسین، ۱۳۸۴، ص ۸۷)

گسترده‌گی قاچاق کالا باعث گردیده که ورود و خروج کالای قاچاق از اکثر مرزهای زمینی با توجه به وضعیت موجود به شیوه های مختلف وارد یا خارج گردد به مهمترین عللی که بستر قاچاق کالا را در مرزهای زمینی فراهم نموده است می تواند به شرح ذیل باشد:

وضعیت جغرافیایی و گسترده‌گی بسیار زیاد مرزها که تردهای غیر مجاز و تجاوزات مرزی به راحتی می تواند صورت گیرد؛

وضعیت سکنه مرزی از نظر معیشتی، قومیت، فرهنگی، اجتماعی و ارتباطات خویشاوندی با ساکنان مرزی کشورهای همسایه

وجود معابر قابل تردد در کنار بازارچه های مرزی

حمایت از قاچاق به صورت کوله بری توسط بعضی از افراد ذی نفوذ محلی

برای رفع بیکاری

عدم ثبات و حاکمیت در بعضی از کشورهای همسایه

کافی نبودن اقدامات کنترلی پاسگاه های مرزی به علت کمبود تجهیزات

صدور احکام براءت و عدم وحدت رویه اکثر محاکم قضایی در شهر های

مرزی





□ همکاری بعضی از مرزبانان متقابل کشورهای همسایه از عوامل قاچاق مرز.

<sup>۱</sup>محمودی، حسین، ۱۳۸۴، صص ۹۱ و ۹۲.

افزایش پدیده قاچاق و افزایش تجارت چمدانی؛ (بالا رفتن آمار قاچاق و تلفات انسانی در چند ساله اخیر از بزرگترین مشکلات بازارچه های مرزی بوده به طوری که هر چند گاه شاهد تلفات انسانی در مناطق مرزی و درگیری با مأموران انتظامی می باشیم و متأسفانه بسیاری از جوانانی که باید به امر پيله وری از طریق قانونی روی آورند به خطر راحتی در امر قاچاق روی به این پدیده آورده و اکثراً اقدام به وارد نمودن انواع وسایل صوتی و تصویری، موز، پارچه، سیگار، انواع لوازم بهداشتی و آرایشی و مشروبات الکلی می نمایند. با کاهش بازرگانی سود و حقوق گمرکی و در نظر گرفتن معافیت های منطقه ای برای کالاهای مجاز و مشروع می توانیم تا حدی از این پدیده جلوگیری نماییم.<sup>۱</sup> عبدی، عرفان، ۱۳۸۸، ص ۱۱۴). طبق قانون در کلیه فرودگاه هایی که دارای پرواز خارجی می باشند و مبدأ ورود و خروج کالا هستند باید مأمورین گمرک حضور داشته باشند و اقدامات کنترلی را معمول نمایند لذا این فرودگاه ها مبادی رسمی تلقی می شوند. و ورود و خروج کالا بدون پرداخت سود و عوارض گمرکی قاچاق می باشد و گمرک باید برخورد نماید. لذا مرز هوایی غیر رسمی وجود ندارد که مسئولیت کنترل با نیروهای انتظامی صورت نگیرد. ولی در فرودگاه های اختصاصی که در بعضی از مناطق مرز است اگر کنترل مناسب صورت نگیرد بستری جهت حمل و نقل کالای قاچاق پس از ورود به کشور می باشد.<sup>۱</sup> محمودی، حسین، ۱۳۸۴، ص ۹۲).

### بخش سوم: علل قاچاق کالاها

الف) علل قاچاق کالای صادراتی: در دنیای امروز تجارت از اهمیت روزافزونی برخوردار بوده و دارای نقشی کلیدی در توسعه و رشد اقتصادی است. در واقع رشد صادرات تداوم و رشد تولید را امکان پذیر ساخته، اشتغال نیروی کار داخلی را تضمین می نماید. درآمدهای صادراتی بهترین پشتوانه برای ارزش پول است و از طریق سرمایه گذاری این درآمد در اقتصاد داخلی، شکوفایی و رشد تولید و اشتغال میسر خواهد شد. در حالی که قاچاق کالاهای





صادرتی با خارج کردن درآمدهای حاصل، از گردونه اقتصاد ملی و بعضاً بردن این منابع در خدمت انجام واردات غیر قانونی خود می‌تواند اثر معکوس داشته و در میان مدت رکود داخلی را به دنبال آورد.<sup>۱</sup> ضیائی، محمدرضا، ۱۳۸۹، ص ۲۰. مهمترین دلیل قاچاق کالاهای داخلی به خارج، وجود اختلاف بین قیمت‌های آن‌ها در بازار داخلی و بازارهای خارجی (به ویژه کشورهای همسایه است). قیمت بعضی از کالاهای داخلی (مانند بنزین، گازوئیل، آرد، دارو و...) به علت اختصاص یارانه به آن‌ها از طرف دولت، در بازار داخلی به مراتب کمتر از بازار کشورهای همسایه است. این امر خروج چنین کالایی را توسط قاچاقچیان و حتی افراد عادی برای تأمین نیازهای ارزی شان در خارج موجب می‌شود. البته بعضی از کالاهای غیر یارانه‌ای نیز وجود دارند که انگیزه قاچاق آن‌ها به خارج نیز تفاوت فاحش قیمت در بازار داخل و خارج می‌باشد. و یکی از علل دیگری که می‌توان بیان کرد تشریفات اداری صدور کالا نیز سبب طولانی‌تر شدن و پرهزینه‌تر شدن روال قانونی کار و راکد ماندن سرمایه‌صادرکننده و یا فساد کالاهای او می‌شود؛ لذا صادرکننده ناچار می‌شود قوانین را دور بزند و کالای خود را از راه غیر قانونی صادر کند و در نتیجه قاچاق کالا رواج یابد. سیاست‌های بازرگانی حمایتی و محدودکننده نیز از عوامل مؤثر بر قاچاق کالاهای صادراتی است. اختصاص سهمیه‌ای از تولیدات داخلی برای مصرف در داخل از جمله این سیاست‌هاست که باعث کاهش اعتبار بازرگانان ایرانی در نزد شرکای خارجی آنها می‌شود و به قاچاق دامن می‌زند. با بیان علل خروج کالاهای قاچاق در بند خ ماده ۱ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۹۲/۱۰/۳ (با آخرین اصلاحات مصوب ۱۳۹۴/۷/۲۲) قانونگذار در مورد ارزش کالای قاچاق خروجی در بند یادشده ارزش و احتساب مجازات این کالاها را به این گونه اعلام می‌کند: ارزش کالای قاچاق خروج: عبارت است از قیمت آزاد کالا در نزدیک‌ترین بازار داخلی عمده فروشی محل کشف به اضافه هزینه حمل و نقل هزینه‌های مانند عوارض ویژه صادراتی و کلیه یارانه‌هایی که به آن کالا تعلق می‌گیرد.

ب) علل قاچاق کالای وارداتی: آمار و ارقام حاکی از آن است که میزان واردات کالاهای قاچاق بسیار بیشتر از میزان صادرات آن بوده است. این امر گویای این مطلب است که بازار

مصرف اینگونه کالاها در کشور مهیا است. غیر از اتومبیل، پارچه، سایر ماشین آلات، البسه، غلات، شکر، چای و ... کالاهایی نظیر دوربین عکاسی و فیلمبرداری، لوازم خانگی، وسایل آرایشی بهداشتی، به دلیل مشکلات موجود برای واردات قانونی، بیشتر به شکل کالاهای همراه مسافر و از طریق قاچاق وارد کشور می شود.<sup>۱</sup> ضیائی، محمدرضا، ۱۳۸۹، ص ۲۱. یکی از مهمترین علل قاچاق کالا به کشور، وجود تقاضای قابل توجه برای کالاهای قاچاق در داخل است. در واقع شروع پدیده قاچاق از وجود تقاضا برای کالاها در بازار شکل می گیرد. وجود تقاضا برای کالاهای قاچاق به دلایلی مانند: زیبایی و نوآوری، در طرح و رنگ کالاها، کیفیت بالای کالاها، تبلیغات گسترده خارجی از طریق وسایل پیشرفته ارتباطی و مشخص نبودن الگوی مصرف صحیح در جامعه صورت می گیرد. اگر به دست آوردن کالاهای مورد تقاضا با ممنوعیت یا محدودیت های رو به رو شود، نه تنها تقاضا برای آن کالا را کاهش نمی یابد بلکه بستر مناسبی را برای قاچاق آن ها فراهم می سازد. از بین عوامل مذکور تبلیغات نقش گسترده و مؤثرتری را در ایجاد نیاز به کالا در داخل دارد. این تبلیغات با ابزارهای مختلف یکی از عوامل مهم رسیدن قاچاقچیان به ثروت های باد آورده است. عامل دیگری که در به وجود آمدن پدیده قاچاق کالاها مؤثر است، قوانین و مقررات و محدودیت ها و ممنوعیت ها هستند. و می-توان به علل دیگری چون مرزهای طولانی زمینی و دریایی و فقدان نظارت کافی بر آن ها در کشور اشاره کرد که وجود فقر، بیکاری و توسعه نیافتگی در مناطق ملزی که محل ورود و خروج کالای قاچاق هستند عامل مهمی در تشدید قاچاق است و در حالی که حدود ۶۰ درصد مردم زیر خط فقر به سر می برند و افزایش بیکاری در مناطق مرزی تمایل به قاچاق را افزایش می دهد. قاچاقچیان از بیکاران محلی به راحتی برای قاچاق کالاها استفاده می کنند. مناطق آزاد تجاری- صنعتی که در واقع برای جذب سرمایه گذاری جهت تولید کالاهای صادراتی تأسیس شده اند. متأسفانه در راستای اهداف اولیه خود حرکت ننموده و به دریچه ای برای ورود کالاهای قاچاق به کشور تبدیل شده اند.<sup>۱</sup> فساد مالی و اقتصادی، ۱۳۸۲، صص ۱۱۷-۱۲۰.

اهم خصوصیاتی که جرم قاچاق کالا را نسبت به سایر جرائم متمایز می سازد



## ۱ - گستردگی جرم قاچاق

وضعیت موجود بعضی از کشورهای همسایه و عدم ثبات اقتصادی و امنیتی بعضی از این کشورها و عدم توسعه مناطق مرزی و دلایل متعدد دیگر باعث گردیده تا از اکثر استان های مرزی ورود و خروج کالای قاچاق صورت گیرد. آنچه قابل توجه و تعمق می باشد گسترش قاچاق و امکان ورود و خروج آن در تمامی مرزها اعم از زمینی، رودخانه ای، دریایی و حتی در بعضی از مرزهای هوایی می باشد. علاوه بر این مراکز استان های بزرگی چون تهران، خوزستان، اصفهان، فارس و ... مرکز نگهداری و توزیع کالای قاچاق می باشد. در حال حاضر جرم قاچاق در اکثر شهرهای ایران وجود دارد.

## ۲ - تنوع در نوع کالای قاچاق

با یک نگاه به نوع کالاهای قاچاق اعم از کالای گمرکی، دخانی، سلاح و مهمات، ارز و طلا و نقره، فرآورده ها، اموال تاریخی و فرهنگی، پرندگان شکاری، وحوش کمیاب، دارو و ... می توان به این مطلب پی برد که در حال حاضر امکان قاچاق کلیه کالاهایی که در قانون مقررات صادرات و واردات از آنها نام برده شده است متصور است و اصولاً می توان گفت در هر چیزی که قابلیت مصرف و مبادله را داشته باشد امکان قاچاق وجود دارد. لذا تنوع در کالاهای قاچاق از نظر نوع، مشکلات عدیده ای را برای نیروهای اجرایی در بخش های مختلف به وجود آورده و از طرفی تشخیص کالای قاچاق با غیر قاچاق در شبکه توزیع و خرید و فروش بسیار مشکل گردیده است.

## ۳ - پیچیدگی جرم قاچاق

شکل گیری قاچاق اعم از قاچاق ورودی و خروجی در مبادی رسمی و غیررسمی و همچنین شیوه های ورود و خروج کالا، حمل و نقل، نگهداری که در پوشش های مختلف از جمله جاسازی، جعل اسناد، تبانی و به صورت می گیرد مبارزه با این جرم را تا حدود زیادی برای مأمورین اجرایی مشکل نموده است.

## ۴ - تعدد قوانین و مقررات

تعدد قوانین و مقررات مرتبط با قاچاق کالا و ارز باعث گردیده تا سازمان کاشف، سازمان های شکلی و محاکم قضایی با مشکلات عدیده ای رو به رو گردند.<sup>۱</sup> محمودی، حسین، ۱۳۸۴، صص ۱۲۴ و ۱۲۵). که این به دلیل تورم بالای قوانین و نداشتن قانون منسجم و یکپارچه برای کلیه انواع قاچاق کالا می باشد.

### بخش چهارم: آثار و پیامدهای قاچاق کالا

قاچاق کالا دارای پیامدهای اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و امنیتی زیادی می باشد. قاچاق کالا از بعد سیاسی یک نقطه منفی در کشورهاست. از بعد اجتماعی قاچاق کالا باعث برهم خوردن تعادل اجتماعی و درآمدی میان اقشار جامعه شده و بوجود آورنده یک طبقه ثروتمند، در عین حال منفور در جامعه است. از بعد اقتصادی نیز قاچاق کالا ضربات سنگینی به اقتصاد جامعه وارد می کند؛ با ورود کالای قاچاق با قیمت پایین تولید ملی ضربه خورده، سودآوری کم شده، سرمایه گذاری تقلیل می یابد و کاهش سرمایه گذاری کاهش، اشتغال و افزایش بیکاری را در پی خواهد داشت. با افزایش بیکاری بحران های اجتماعی افزایش یافته و امنیت ملی به خطر می افتد و علاوه بر این قاچاق - چنان به خاطر فعالیت پنهانی خود کانال بسیار خوبی برای رخنه به اقتصاد، فرهنگ و بهداشت و ... هستند. با توجه به اینکه هدف و انگیزه اصلی قاچاق، سودآوری است، این هدف می تواند تمامی اصول اخلاقی و ملی و مذهبی قاچاقچیان را تحت الشعاع قرار دهد و قاچاق کالا از ساده ترین و مؤثرترین راه های ورود به ابزارهای تهاجم فرهنگی به داخل کشور است. دشمنان کشور ما با هدف ضربه به فرهنگ و ارزش های فرهنگی ما و نشانه قراردادن ارزشها و آداب و سنن ما و تباه کردن جوانان به این مسأله توجه زیاد دارند.<sup>۱</sup> ضیائی، محمدرضا، ۱۳۸۹، ص ۳۷). در ادامه برای آشنایی بیشتر، در مورد بعضی از این پیامدها توضیحاتی داده خواهد شد.

#### الف) آثار و پیامدهای اقتصادی

1- ایجاد اختلال در برنامه ریزی های اقتصادی = کالاهایی که بدون گذراندن تشریفات گمرکی و رعایت ضوابط و مقررات حاکم بر بده بستان های مالی مجاز، به بازارهای داخلی



راه می یابند، در برنامه ریزی هایی که به بهینه کردن نظام تولید و توزیع می اندیشد اختلال ایجاد می کنند و صحت آمارهای کارگزاران را زیر سوال می برند. از عمده ترین تأثیرات منفی قاچاق کالا، این است که توان رقابتی محصولات داخلی را از بین برده و یا کم رنگ می کند.

۲- چرخش پولی خارج از سیستم ارز = خرید اجناس از سایر ممالک به طور طبیعی مستلزم این است که در قبال جنس و ورود آن به کشور مبالغی پول خارج گردد و این چرخش پولی خارج از سیستم اصولی آن، مشکلاتی را از جنبه اقتصادی برای نظام پولی کشور فراهم می سازد. (از سری بررسی های امنیت اقتصادی قاچاق، موسسه تحقیقات تدبیر اقتصاد، ۱۳۸۱، ص ۳۷)

۳- کاهش اشتغال: به علت سودآوری کلان قاچاق در کوتاه مدت، سرمایه گذاری در صنایع کشور کاهش یافته که این امر کاهش اشتغال در کشور را در پی خواهد داشت. (محمودی، حسین، ۱۳۸۴، ص ۱۳۰)

ب) آثار و پیامدهای فرهنگی - اجتماعی

1- تهاجم فرهنگ = یکی از انواع قاچاق کالا وارد کردن ابزارهای تهاجم فرهنگی، از قبیل کتب، جراید، بروشورهای منحرف کننده، تصاویر مبتذل، CD و دیسک های رایانه ای، نوارهای ویدئویی و کاست های مبتذل و ضد اخلاقی و قرص های محرک ز، آلات و ادوات قمار و مشروبات الکلی می باشد. با وارد شدن این اقلام، جوانان و خانواده ها در جامعه در معرض تهدید جدی فرهنگی، اخلاقی قرار می گیرد و الگوهای رفتاری و فکری خاصی را دشمن فرهنگی به آنان تلقین می نماید. در استمرار قاچاق این کالاها به تدریج ارزش های مقدس بر جامعه رو به نابودی سوق می کند.

۲- طبقاتی شدن جامعه در بعد اقتصادی = اگرچه در نظام خلقت معیار طبقه بندی انسانها براساس تقوی و رفتار نیکو و خصلت های انسانی است اما برخی از گروه های جامعه به علل مختلف از مسیر تعالی فردی و اجتماعی دور افتاده و با جمع آوری و انباشت سرمایه از هر

طریق ممکن باعث ایجاد نظام طبقاتی و یا طبقاتی شدن اقشار مختلف جامعه می شوند. مهم ترین عامل نابسامانی جوامع امروزی و بوجود آمدن بحران های اجتماعی ریشه در نابرابری و تبعیض در سطوح مختلف جامعه دارد. قاچاق کالا علاوه بر آنکه هویت جامعه را به شدت دچار اختلال می نماید، شاخص های نابرابری در زمینه های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی و ... را افزایش میدهد.

تضعیف فرهنگ کار = شغل قاچاق از نظر جامعه محکوم می باشد و در جامعه ای که افراد آن با قاچاق کالا مبادرت به کسب درآمدهای سرشاری می نماید، فرهنگ تلاش سست می گردد و افراد به جای کسب در آمد از راه قانونی و شرعی به راه قاچاقچی گری رفته تا در مدت کوتاهی بتوانند ثروت زیادی به دست آورند. بنابراین یکی از آسیب های بسیار حساس قاچاق تضعیف فرهنگ کار و بازدهی و بهره دهی به جامعه می باشد. و از طرفی قاچاق کالا موجب رکود و ورشکستگی مراکز تولیدی و صنعتی داخلی گردیده و این امر باعث افزایش بیکاری در جامعه می گردد. (محمودی، حسین، ۱۳۸۴، صص ۱۳۱-۱۳۳ و ۱۳۴) خلاصه اینکه قاچاق کالا، در شهرهای ساحلی جنوب کشور درصد بیشتری از ساکنین به ویژه مرزنشینان را به طور آگاهانه یا ناآگاهانه به خود جذب نموده و بیشتر رفتارها و روابط سالم اجتماعی دیگر را تحت الشعاع قرار داده است. <sup>۱</sup> از سری بررسی های امنیت اقتصادی قاچاق، موسسه تحقیقات تدبیر اقتصاد، ۱۳۸۱، ص ۳۵) پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

ج) پیامدهای سیاسی

از ابعاد منفی قاچاق، اثرات منفی آن بر روی امنیت ملی است. قاچاق به طور مستقیم و غیر مستقیم امنیت ملی کشور را تهدید می نماید. افزایش ثروت و قدرت نامشروع، رانت خواری، بی عدالتی، کاهش اعتماد عمومی، تمایل به قانون گریزی، افزایش بی نظمی اقتصادی، تضعیف امنیت اقتصادی، افزایش فاصله طبقاتی، هدر رفتن منابع ملی، تضعیف کارآمدی، کاهش امید ملی و کاهش امنیت عمومی از پیامدهای نامطلوب سیاسی قاچاق می باشد. <sup>۲</sup> صیاد شیرکش، محمد، ۱۳۹۳، ص ۷۹)





## بخش پنجم: شناسایی راهکارهای مناسب برای مبارزه عملی با قاچاق کالا

دولت در برخورد با پدیده قاچاق باید بیشتر به فکر رفع انگیزه های اقتصادی قاچاق باشد. دنیای امروزه بیش از هر زمان دیگری به تجارت وابسته شده است. بازارهای یکپارچه جهانی، تفاوت سطح توسعه صنعتی کشورها با یکدیگر و مواردی از این قبیل، شرایط را به گونه ای کرده که هرگز هیچ کشوری. نمی تواند بازار خود را روی واردات یا قاچاق کالای دیگران ببندد و درون گرایی اقتصادی نیز به مثابه یک استراتژی اقتصادی، کارآمدی خود را از دست داده است. در ایران نیروی انتظامی جنگ علیه قاچاق مواد مخدر را، سال هاست شروع نموده، این جنگ جزء موفق - ترین مبارزات جنگی علیه این گروه سازمان یافته بوده و تعداد زیادی هم؛ شهید تقدیم نموده است. به نظر می رسد می بایستی علیه قاچاق کالا هم؛ به جای برخورد و تعقیب و کشف، جنگ مواد مخدر را به کار گرفت تا به اهداف تعیین شده (حتی المقدور) در قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲ نزدیک گردید. (احمدی، عبدالله، ۱۳۹۴، ص ۹۷) برای پیشگیری از ارتکاب قاچاق و یا کاهش آن، پس از مطالعه و بررسی دقیق، علل وقوع آن باید با اتخاذ راه حل های مناسب چاره اندیشی کرد بنابر این به بررسی مهمترین اقدامات مؤثر در جلوگیری از ارتکاب و با کاهش قاچاق کالا می پردازیم:

الف) ایجاد تناسب بین عرضه و تقاضا کالاهای مورد نیاز: از آنجا که یکی از علل عمده ارتکاب قاچاق، کمبود بعضی از کالاهای مورد نیاز عامه مردم است، در صورت موجود بودن زمینه تولید داخلی، باید با برنامه ریزی دقیق و تجهیز امکانات و فراهم کردن تسهیلات برای واحدهای تولیدی، داخلی، به مقدار نیاز و با کیفیتی مطلوب و قابل قبول، نسبت به تولید این کالاها اقدام شود، و در صورتی که امکان بالقوه تولید در داخل وجود ندارد و با تولید داخلی بسیار گرانتر از تولیدات مشابه خارجی تمام می شود، با مطالعه دقیق اجازه ورود این کالاها به وارد کنندگان داده شود.

ب) سیاست گذاری صحیح در امر تجارت خارجی: اگرچه برقراری محدودیتهایی برای واردات کالا از خارج و یا صدور کالاها به خارج، اهمیت ویژه ای دارد و برای حمایت از



صنایع و تولیدات داخلی و یا تأمین درآمد دولت ضروری به نظر می‌رسد ولی چنانچه این سرمایه‌گذاری‌ها و برقراری محدودیت‌ها مبتنی بر مطالعه و کارشناسی نباشد. نه تنها امکان دستیابی به اهداف برشمرده شده را فراهم نمی‌نماید بلکه می‌توان آثار منفی و تخریبی نیز در پی داشته باشد. با این توصیف تنظیم مقررات صادرات و واردات سالانه اهمیت خاصی دارد و باید به گونه‌ای تنظیم شود که بتواند کارگشا باشد.

ج) سیاستگذاری در هدایت و اصلاح الگوی مصرف: از آنجا که همواره درآمد ارزی کشور در مقابل نیازهای ارزی آن کافی نبوده، و پس از پیروزی انقلاب اسلامی وقوع حوادثی نظیر جنگ تحمیلی، زلزله، سیل و توطئه زور مدران، از یک طرف باعث کاهش درآمد ارزی ما شده و از طرف دیگر نیازهای ارزی کشور، اولاً سعی نموده که نیازهای وارداتی را درجه بندی نموده و به گونه‌ای سیاستگذاری کرد که به کالاهای اساسی موردنیاز عامه مردم اجازه ورود داده شود و از تخصیص ارز برای واردات کالاهای کمتر اساسی یا غیر اساسی جلوگیری شود. ثانیاً با کار فرهنگی و اتخاذ سیاست‌های آموزشی مناسب الگوی مصرف جامعه را هدایت کرده و مردم را از مصرف کالاهای غیر ضروری و لوکس و تجملی و اسراف و تبذیر بازداشت.

د) برنامه ریزی صحیح در فراهم کردن زمینه‌های اشتغال مناسب برای مناطق مرزی: همانگونه که قبل از این بیان گردید یکی از عمده‌ترین علل گرایش مرزنشینان به ارتکاب قاچاق از یک طرف نبودن امکانات و زمینه‌های اشتغال و از طرف دیگر عدم وجود حداقل امکانات زندگی در این مناطق است. برای رفع این مشکلات، باید با مطالعه و بررسی دقیق و با توجه به امکانات هر منطقه، مشاغل مناسب جهت اشتغال مرزنشینان را ایجاد نمود. و سهم بیشتری از امکانات بودجه‌ای را جهت فراهم کردن امکانات بهداشتی، درمانی و تفریحی این مناطق تخصیص داده و با برنامه ریزی مناسب آموزشی، مرزنشینان را به اشتغال به امور کشاورزی، دامداری و صنعتی تشویق نمود.



ه) ایجاد بازارچه های مرزی و مناطق آزاد: از آنجا که یکی از دلایل ارتکاب مرزنشینان به قاچاق، از یک طرف تأمین نیازهای خودشان و دیگر مردم کشور و از طرف دیگر خروج کالای ساخت داخل به منظور عرضه در کشورهای همجوار است، بنابراین می توان با ایجاد بازارچه های مرزی یا مناطق ویژه، زمینه را برای عرضه کالاهای داخلی و خرید کالاهای خارجی فراهم نمود و بدین وسیله زمینه ارتکاب قاچاق را کاهش داد.

و) اقدامات فرهنگی و آموزش و آشنا کردن با آثار و عواقب قاچاق: انجام اقدامات فرهنگی در جهت مبارزه با علل و عوامل گرایش به قاچاق از جمله توجیه مردم نسبت به دلایل برقراری ممنوعیت ها و محدودیتها و همچنین آموزش و آگاهی دادن به مردم کشور به خصوص مرزنشینان در مورد آثار و عواقب زیانبار این پدیده شوم می تواند در کاهش میزان قاچاق مؤثر باشد

ز) تقویت و تجهیز امکانات مبارزه با قاچاق: از آنجا که شبکه های قاچاق برای نیل به مقصود خویش، روز به روز امکانات و تجهیزات پیچیده تری را به خدمت می گیرد، ضروری است که نیروها و واحدهای مبارز با قاچاق نیز همواره تقویت و امکانات بهتری تجهیز شوند تا در این میدان کارزار بتوانند از سوداگران گوی سبقت را ربوده و به آنان چیره شود. در این راه، ایجاد و تقویت روحیه مبارزه و استفاده صحیح و برنامه ریزی شد، از تمام امکانات و عوامل و نیروهای مؤمن و صادق در امر مبارزه با قاچاق بی شک تأثیر شایانی در موفقیت در این پیکار خواهد داشت.

ح) افزایش ناامنی برای قاچاقچیان: تشدید کنترل نوار مرزی با استفاده از شیوه های مختلف از جمله تخلیه مرز، تقویت پاسگاه های مرزی، ممنوعیت تردد خودروهای تندرو در محدوده مشخص شده مرزی و ایجاد موانع فیزیکی، افزایش ناامنی یا حداقل ناامنی جلوه دادن شرایط برای فعالیت قاچاقچیان، از طریق مؤثر مبارزه با قاچاق کالا می باشد

ط) تجدیدنظر در قوانین موجود و اصلاح آن ها و برخورد های قاطع با قاچاقچیان: یکی از دلایل گرایش به قاچاق وجود تشریفات مفصل و دست و پاگیر در امر تجارت خارجی و عدم

تناسب قوانین موجود با شرایط امروزی جامعه است. بنابراین برای رفع این معضل و حل قسمتی از مشکل، تجدیدنظر و اصلاح و سخت گیری بیشتر در قوانین و متناسب ساختن آن ها با شرایط فعلی جامعه جهانی ضروری به نظر می رسد. از دیگر عوامل مؤثر در کاهش قاچاق ایجاد تناسب بین مجازات و جرم ارتكابی و عدم اكتفا به مجازات های نقدی از یک طرف و برخورد جدی و قاطع با قاچاقچیان و اعمال قدرت قانونی صحیح در برابر آنان از طرف دیگر می باشد) از سری بررسی های امنیت اقتصادی قاچاق، موسسه تحقیقات تدبیر اقتصاد، ۱۳۸۱، صص ۷۹-۸۳)

### بخش ششم: مراجع صالح به رسیدگی به جرم قاچاق کالا و ارز

متأسفانه در قوانین مدون سالیان گذشته به علت وجود کاستی هایی که در این قوانین در مورد قاچاق کالا و ارز وجود داشت در بسیاری از موارد یک مرجع خاص و قانون واحد برای رسیدگی به این جرائم نبود و یا کاستی هایی موجود بود. ولی قانونگذار با تصویب قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز در ۱۳۹۲/۱۰/۳ و اصلاحاتی که ۱۳۹۴/۷/۲۲ انجام داد به نوآوری ها و رفع ایرادات کثیری دست زد. در این قانون مراجع صالح رسیدگی به این جرم مشخص شد که بر اساس ماده ۴۴ قانون مذکور: «۱- رسیدگی به جرایم قاچاق کالا و ارز سازمان یافته و حرفه ای، قاچاق کالاهای ممنوع و قاچاق کالا و ارز مستلزم حبس و یا انفصال از خدمات دولتی در صلاحیت دادسرا و دادگاه انقلاب است. ۲- سایر پرونده های قاچاق کالا و ارز، تخلف محسوب و رسیدگی به آن در صلاحیت سازمان تعزیرات حکومتی است. ۳- چنانچه پرونده ای، متهمان متعدد داشته و رسیدگی به اتهام یکی از آنان در صلاحیت مرجع قضایی باشد، به اتهامات سایر اشخاص نیز در این مراجع رسیدگی می شود. یکی دیگر از نوآوری ها در این زمینه تفکیک صلاحیت به اعتبار تخلف و جرم است؛ که در صورت انجام تخلف رسیدگی در صلاحیت سازمان تعزیرات حکومتی قرار داده شده است که دارای اوصاف زیر است:

۱- فاقد مجازات حبس باشد؛



- ۲- فاقد مجازات انفصال از خدمات دولتی باشد؛
- ۳- مجازات مالی آن، جریمه نقدی باشد، نه جزای نقدی؛
- ۴- مرتکب قاچاقچی حرفه ای نباشد
- ۵- مرتکب از اعضای گروه سازمان یافته برای ارتکاب جرم یا بعداً تغییر هدف به سمت آن داده نباشد؛
- ۶- مرتکب مأمور دولت نباشد (محتاج انفصال از خدمات دولتی)
- ۷- موضوع قاچاق، کالای مجاز، مجاز مشروط، یارانه ای و ارز - ماده (۱۸) باشد؛
- ۸- به استناد ماده (۵۰) آراء شعب بدوی تعزیرات در مورد قاچاق کالا و ارز که ارزش آن ها کمتر از بیست میلیون ریال باشد، قطعی است. در سایر موارد آراء شعب بدوی (ظرف بیست روز از تاریخ ابلاغ) واقعی (با درخواست محکوم علیه) قابل تجدید نظر خواهی است. (احمدی، عبدالله، ۱۳۹۴، ص ۲۱۰)

## بخش هفتم: موانع و مشکلات تعاونی های مرزنشین در پیشگیری از قاچاق کالا

### بند اول: تداخل کارکردی سازمانی

مقوله تداخل کارکردی سازمانی، بیانگر تداخل و درهم ریختگی سازمان و نهادهایی است که در بازارچه بنابر دلایلی ویژه حضور دارند، اما به لحاظ مسئولیتی و کارکردی در نوعی سردرگمی و یا درهم ریختگی و اختلاط به سر میبرند. این مداخلهها برای مسافران بین مرزی و نیز برای تجار و بازرگانان یا پيله وران و ترخیصکاران باعث دردسر و اتلاف وقت و هزینههای بسیاری میگردد و همین وضعیت تمایل به سوی قاچاق را دو چندان نموده است. در اینگونه شرایط افراد سودجو از این سردرگمی استفاده و از طریق مجراها و روابط خاص به انجام امورات در ورای ضوابط موجود اقدام میکنند. در بسیاری مواقع سرپرست بازارچه و پایانه تجاری باید دامنههای از اختیارات ویژه و قدرتهای خاص تصمیمگیری و عمل را داشته باشد که تا حدودی باید از حیطه وظایف نماینده فرمانداری در بازارچه مجزا باشد، لیکن این عدم



وضوح و تمایز در اختیارات مسؤولان به کندی جریان ارتباطات و مبادلات در منطقه و بازارچه های دوطرف مرز میانجامد و فرصتهای مهم اقتصادی و حتی توریستی فراوانی را از دست میدهد. این تداخل نهادی بین ادارات بازرگانی و گمرک و نیروی انتظامی هم حتی در نوع کالاهایی که قرار است مجوز ورود داشته باشند، یا اینکه چه ارگانی تعیین می کند که چه نوعی از کالاها قاچاق هستند و کدامها قابل ترخیص و تردد هستند، از مشکلات اساسی بازارچه ها و پیلهوران و بازاریان است. از یک طرف، بازاریان و تجار از کشورهای خارجی، همچون افغانستان، پاکستان، دبی، کره، ژاپن، هند، مالزی و ... کالا خریداری کرده و به خیال اینکه قابل ورود به کشور است، در انتظار آمدن آن محمولهها هستند، اما به ناگاه بعد از چند روز دستور و بخشنامه جدیدی آمده و ورود آن نوع کالا حتی با گمرک هم ممنوع شده است. در این زمان تنها راهکار گرایش بازاریان به قاچاق و استفاده از قاچاقچیان برای حمل بارهایشان به صورت قاچاق به داخل کشور است. با تمام این مباحث، اما باز هم هیأت نظارت و میانجیگر و تسهیلگر امور بین نهادی که مقبول همه ارگانها و نیز مسؤولان بازارچه و مردم هم باشد، غالباً وجود ندارد. در این شرایط اگر فرد تاجر، بازرگان، پیلهور و یا مسافری که حتی از روی ناآگاهی احساس کند که ممکن است کارش در یکی از این قسمتها با مشکل مواجه شود، ناچار راه قاچاق را انتخاب کرده و از طریق قانونی عمل نخواهد کرد؛ مگر اینکه مطمئن باشد از جانب مسؤولی خاص در آن نهادها چراغ سبزی برای همکاری احتمالی دریافت داشته است. اینها از جمله مواردی هستند که نشان میدهند تداخلات کارکردی سازمان های مستقر و درگیر در بازارچه به عنوان عناصری تأثیرگذار در تداوم پدیده قاچاق هستند. این نهادها در صورت برخورداری از سازماندهی و تفکیک وظایف و اختیارات میبایست بر کاهش و حذف پدیده قاچاق در منطقه متمرکز میشدند، اما عملاً خودشان ندانسته به تداوم قاچاق در قالبی متفاوت با قبل کمک می کند.

## بند دوم: بوروکراسی بغرنج و بازدارنده

مقوله بوروکراسی بغرنج و بازدارنده جاری در میان سیستم اداری و نهادی بازارچه ها بیشتر در وضعیت هایی منظور است که تمایزات کارکردی و مسؤولیتی نهادها به وضوح قابل تشخیص است، اما به هنگام ضرورتها همکاری بین نهادی در این نهادها نوعی بوروکراسی



دست و پاگیر اداری بین نهادی حاکم است که به طولانی شدن مدت زمان انجام امور منتهی میشود و ارباب رجوع را دلزده میکند. عدم وضوح سقف واردات و صادرات سالیانه یکی دیگر از مسایلی است که به لحاظ اداری میان نهادهای مرتبط کاملاً مشخص نگشته است. در این هنگام نهادهای مرتبط همیشه بهنوعی به همدیگر مظنون بوده، در نوعی بلا تکلیفی خاص به سر میبرند که آیا این مورد جزو روال سقف قانونی تعیین شده واردات و صادرات برای بازارچه آنها خواهد بود یا خیر؛ به شیوه رابطهمندانه و غیر قانونیای قرار است صورت بگیرد. این نوع سردرگمیها در بین نهادهای مستقر و مسؤول در بازارچه به درازا کشیدن جریان امور منجر شده و ارباب رجوع را ناراضی مینماید. مفهوم پایین و نامتعین بودن تنوع کالاها و اقلام وارداتی و صادراتی به قضایایی اشاره دارد که بر اساس آنها تجار در تعیین تنوع خاصی از کالاها برای ورود به کشور غالباً دچار مشکل هستند، در حالیکه فرد تاجر باید به تقاضای بازار داخلی برای ورود دامنه گسترده ویژگیهای از کالاها پاسخ دهد، اما این تنوع درخواست بازار داخلی به خاطر ابهامها و محدودیتهای گمرکی و تعرفهای مشخص شده در مرزها ممکن نباشد. لذا فرد تاجر ناچار خواهد بود از راه قاچاق به این درخواستها پاسخ دهد.

### **بخش هشتم: نا برابر بودن فرصتهای تجارت برای افراد سودجو و با ضابطه**

نا برابر بودن فرصتهای تجارت برای افراد سودجو و با ضابطه، از دیگر مسایلی است که پدیده قاچاق را برای آن عده از افرادی که فاقد رابطه های ویژه هستند، در ارجحیت قرار میدهد. عدهای از افراد که به شیوههای مختلفی دارای روابط مختلف هستند که میتوانند بسیاری از گره ها و موانع را دور زده و یا بیشتر از سقف تعیین شده به نسبت دیگران در دوره زمانی معینی، اقدام به صادرات و واردات کنند، بهنوعی دارای فرصتهای ویژه استثنایی خاص هستند که جزو بخش غیررسمی از اقتصاد پنهان قرار میگیرد. در عوض، افرادی که فاقد این ارتباط های بخصوص باشند، برای جبران این فرصتها علاوه بر امتحان راههای رشوهدهی و عدم ارایه اظهارنامه های مالی به شیوه قاچاق نیز اقدام میکنند.

### **بند اول: بی ثباتی در سیاست های اقتصادی**

بی ثباتی در سیاستهای اقتصادی، از جمله مواردی است که به طور غیرمستقیم باعث انتخاب قاچاق از جانب تجار و کسبه میشود. این بی ثباتی در حجم و سقف کالاهای قابل



مبادله از طریق بازارچه ها به صورت رسمی و نیز در تنوع و اقلام کالاها از اساسیترین نمونه های بیثباتی در سیاستهای اقتصادی است. میزان تعرفه و عوارض گمرکی که برای تبادل کالاها گرفته می شود، تحت تأثیر عوامل مختلفی از مرکز کشور و با توجیه حمایت از بازار و صنایع داخلی کشور قرار داشته و به کرات تغییر میابد. همین مسأله باعث میشود تا نوعی ابهام و سردرگمی بر بازاریان و تجار و پیلهوران غلبه کرده و پدیده قاچاق احتمال تحقق یابد.

### بند دوم: ناکارآمدی سیستم نظارت درونی بازارچه ها

از دیگر مواردی که به آسیب پذیری و ناکارآمدی بیش از پیش مناسبات مختلف بین نهادی و سیستم اداری نهادهای مستقر در بازارچه دامن میزند، عبارتند از: تدوین عامدانه بارنامه های نادرست و یا تدوین عامدانه اظهارنامههای مالیاتی و گمرکی غلط که بهنوعی فساد اداری بین تجار ذی نفع و کارکنان بازارچه ها به شیوههای مختلف و تحت عناوین متفاوت نیز هست. در این رابطه ها هرچند که برخی از تجار به عمد و بهدور از چشم و نظارت مسئولان مرتبط در بازارچه اقدام به تدوین غلط و مغایر با واقعیت آنچه باید اعلام شود، می نمایند و یا کالاهایی را که نباید قبل از ثبت و ارزیابی و تحویل بیجک و تعرفه و گمرکات از مرز خارج شوند، پنهانی، جعلی و بدون تسلیم اظهارنامه ها از مرز و در بازارچه ها به مرز کشور خارجی صادر یا به داخل کشور وارد میکنند و یا اینکه بارنامه ها را نادرست و عامدانه کمتر از حد واقع جلوه داده و یا با همکاری رابطه محورانه یک یا تنی چند از مسئولان به رد و بدلای پنهانی کالاها و ارز و اجناس مینمایند. این گونه اعمال از طرفی به طور مستقیم بردامنه اقتصاد پنهان و غیررسمی کشور میافزاید و از طرف دیگر، با تنگ کردن عرصه رقابت و فرصتهای برابر برای دیگر افراد فاقد رابطه، راه را بر پدیده قاچاق در بیرون از فضای بازارچه ها باز میکند. کارتهای تجارت مرزی مخصوص روستانشینان نوار مرزی در اصل به منظور کاهش حجم قاچاق در منطقه و نوعی اشتغال زایی و رفاه مردم منطقه از طریق ارتقای معیشتی و کاهش موقت بیکاری بوده است، اما توزیع ناهماهنگ و غیرکارشناسانه این کارتها در میان مردم روستاهای منطقه، نوعی نارضایتی و احساس تبعیض و تفاوت را به دنبال داشته و جهت گیری مردم نسبت به عملکرد مسئولان در این خصوص چندان خوشایند نیست. چگونگی اجرای این طرحها به گونه ای



است که خود به ظهور مشکلاتی دیگر از جمله نارضایتی مردم از مسؤولان اجرایی و برنامه‌ریزی و مدیریتی آن انجامیده است. ناکارآمد بودن سیستم نظارت درونی بازارچه‌ها بر فرآیند واردات و صادرات، نوع کالاها، تحدید و ترتیب مناسبات و فرصتها و محدودیت‌ها، همواره بر تغییر جریان و قالب قاچاق موثر بوده است. این ضعف نظارتی درون بازارچه‌ها به گونه‌هایی باعث شده است تا پدیده قاچاق که قبلاً برای عموم مردم منطقه و از اکثر نقاط جغرافیایی نوار مرزی شهرستان هیرمند و با حجم متغیر و گسترده‌ای در جریان بود؛ هم اکنون محدود به گذرگاهها و معبرهای بازارچه‌ها گردد. در این گذرگاهها یکسری افراد ذی‌نفع بهترین فرصتهای تجارت را در اختیار دارند و در لابه لای این فرصتهای رسمی، از ضعف سیستم نظارتی و کنترلی درون بازارچه‌ها استفاده نموده، فرصتهای غیررسمی تجارت را به کار میگیرند. بر این اساس است که میتوان گفت بازارچه‌ها هر چند که سطح گسترده و انبوه سابق قاچاق را تقلیل داده‌اند، اما خود همین بازارچه‌ها به شیوه‌هایی دیگر بر پدیده قاچاق دامن زده‌اند. یکی از این شیوه‌ها نیز تداوم قاچاق در قالب بازارچه‌های مرزی است که از برخی لحاظ ناشی از ضعف و ناکارآمدی سیستمها و عوامل نظارتی درون بازارچه‌هاست.

### **بخش نهم: وضعیت نامطلوب تأسیساتی و تسهیلاتی درون بازارچه‌ها**

وضعیت نابسامان تأسیساتی و تسهیلاتی درون بازارچه‌ها نیز از جمله مواردی است که در جذب یا طرد فعالیت‌های اقتصادی از طریق حضور تجار، بازرگان و پيله‌وران میتواند بسیار مؤثر باشد. تأسیسات و تسهیلات درون بازارچه‌ها هر چه به روزتر و کارآمدتر باشد، سرعت و سهولت اجرای فعالیتها و مبادلات بالاتر خواهد بود و از همین مسیر میتواند در ارتقای وضعیت اقتصادی بازارچه، منطقه و کشور موثر باشد. این گفته کوتاه از سخنان و جالب "ع" علاوه بر مقوله نابسامانی بازارچه‌ها، جاده‌های ارتباطی و ضعف سیستم اداری و نظارتی بازارچه‌ها، برخی جنبه‌های دیگر از قبیل ضعف مدیریت پایانه و بازارچه‌ها، ضعف اولویت بندی‌های ضرورت‌های اجرایی امور مرتبط با بازارچه‌ها، ضعف روابط متعدد بین مرزی با کشور همسایه و مشکلات مرتبط برون‌ساختاری بازارچه‌ها را نیز در بر میگیرد.





## بند اول: فشارهای برون ساختاری

حجم بالای بیکاری در منطقه، عدم رقابت اساسی بازار داخلی و خارجی، تقاضای بالا برای اجناس خارجی، به‌صرفه بودن کالای خارجی به لحاظ قیمت نسبت به کالای داخلی، تورم اقتصادی بالا در منطقه، تراکم جمعیتی بالا در منطقه، نبود و توزیع فرصتهای کاری در منطقه به مثابه اساسیترین مواردی هستند که بر طبق یافته‌های تحقیق، باعث اعمال فشار ناهماهنگی و به هم‌ریختگی برنامه ریزیهای بازارچه‌ها میشوند. بیکاری موجود در منطقه و نیز تورم باعث میشوند تا مردم به فکر جبران و رفع مشکلات اقتصادی باشند. مردم به خاطر شرایط تورم و گرانی بالا بیشتر به سمت کار و فعالیتهای اقتصادی هستند که بتواند بر مسأله تورم غلبه نماید و این راه تنها در دو صورت ممکن است: یا کنترل نرخ تورم که از حیثه اختیارات مردم عادی خارج است و یا اینکه درآمد اقتصادی بالایی داشته باشند که بتواند فشارهای ناشی از مسأله تورم را برای افراد خانواده کاهش دهد. جمعیت زیاد خانواده‌ها و ناکارآمد بودن شیوه‌های معیشتی سابق در منطقه که مبتنی بر کشاورزی و دامداری بود، به مثابه جمله علت‌های اساسی در گرایش مردم به کارهای تجارت مرزی در شیوه‌های رسمی و غیررسمی آن بوده است. زمانیکه بازارچه‌های منطقه دارای سقف مبادلاتی و خدماتی معینی هستند و تقاضاهای مردمی از بیرون برای استفاده از این خدمات و حضور یافتن در بازارچه و مبادلات رسمی آن بیشتر باشد، لذا این محدودیت پاسخگویی از جانب بازارچه به چند شیوه پاسخ داده میشود. در این حالت، یا مناسبات داخل بازارچه‌ها به صورت رابطه مند و در اختیار فرصت طلبان قرار میگیرد و یا تقاضاها به سمت مبادلات قاچاق در بیرون از مسیر بازارچه‌ها پیگیری خواهند شد و مردم بیشتر به سوی قاچاق تمایل خواهند داشت. این مسأله اگر همگام شود، با مسأله پایین بودن سواد افراد در منطقه برای مناسبات رسمی و مبادلات تخصصی تجارت و بازرگانی، بیشتر باعث میشود تا مردم به سمت شیوه‌های غیررسمی مبادلات و قاچاق گرایش داشته باشند. از دیگر مسائلی که باعث فشارهای ساختاری بر بازارچه‌ها میشوند، مسائلی از قبیل عدم قدرت رقابت اساسی بازار داخلی و خارجی، تقاضای بالا برای اجناس خارجی، قیمت پایین کالاها و اجناس خارجی و بسیاری دیگر از این قبیل موارد، از اهم دلایلی است که باعث میشوند



بازارچه ها علاوه بر مشکلات تداخل نهادی و بی ثباتی سیاستگذاری های اقتصادی در گیر در مسایل دیگری شوند. زمانی که بازار کالاهای داخلی در داخل کشور نتواند با کالاهای خارجی به لحاظ قیمت و کیفیت رقابت نماید، تقاضای بازار داخلی برای کالاهای خارجی بیشتر از مقداری است که بازارچه ها به شیوه رسمی قابلیت ورود و خروج و صدور مجوز آن را دارند. در این حالت است که محدودیت بازارچه ها باعث گرایش مردم به شرایط محیطی و فشارهای ساختاری بیرون از پایانه ها به شیوه های غیرمستقیم باعث ایجاد تداخل کارکردی و تحقق اهداف پیشین سیاستگذاری های بازارچه ها میگردد. مجموعه متکثر و تأثیرگذار فشارهای بیرون ساختاری نهایتاً بستریهای مساعدی را برای تداوم پدیده قاچاق در منطقه، به ویژه از طریق بازارچه های مرزی مهیا ساخته است. این فعالیتهای اقتصادی غیررسمی گونه های ویژه از پدیده قاچاق و اقتصاد پنهان هستند که بر وضعیت معیشتی و اقتصادی منطقه و نیز بر نظام اقتصادی کشور تأثیرات منفی خواهند داشت.

### نتیجه گیری

یکی از چالش های مهم مناطق مرزی بحث قاچاق کالا می باشد که ضمن تهدید اقتصاد ملی و ایجاد بحران در نظام های اجتماعی، مالی و ... زمینه بروز خطرات امنیتی را فراهم نموده است. از جمله راه های مقابله با آن علاوه بر کنترل ورود و خروج نوار مرز توسط نیروهای نظامی و انتظامی باید یک سری راهکارهای دیگر برای مبارزه با این پدیده شوم اقتصادی بوجود آورد که از جمله ی آنها ایجاد بازارچه های مرزی می باشد. نوار مرزی استان سیستان و بلوچستان به دلیل همجواری با کشورهای افغانستان و پاکستان و بالأخص منطقه مرزی میلک که از قدیم الایام محل فعالیت های قاچاق کالا بوده است. که با احداث بازارچه مرزی سعی شده از این فعالیت شوم جلوگیری شود. که در این پژوهش سعی شده است میزان موفقیت آن را مورد بررسی قرار دهد.



## منابع و مآخذ

### الف) کتاب ها

۱. ابراهیمی ، شهرام ، جرم شناسی پیشگیری ، تهران ، میزان ، ۱۳۹۱ .
۲. احمدی ، عبد الله ، حقوق کیفری قاچاق کالا و ارز ، تهران ، میزان ، ۱۳۹۴ .
۳. اهداف و وظایف بازارچه های مرزی و نقش گمرک ، گمرک جمهوری اسلامی ، ۱۳۷۸ ، شماره ۳۵ .
۴. جعفری لنگرودی ، دکتر محمد جعفر ، ترمینولوژی حقوق ، تهران ، گنج دانش ، ۱۳۹۲ .
۵. جوان جعفری ، عبد الرضا ، بید زاده ثانی ، سید مهدی ، رهنمود های علمی پیشگیری از جرم ، تهران ، میزان ، ۱۳۹۱ .
۶. دفتر مطالعات اقتصادی ، تحلیلی بر نقش عملکرد بازارچه های مرزی ، معاونت برنامه ریزی و بررسی های اقتصادی ، وزارت بازرگانی ، ۱۳۸۱ .
۷. شیرزاد ، کامران ، جرایم رایانه ای از دیدگاه حقوق جزای ایران و حقوق بین الملل ، چاپ اول ، نشر بهینه ، ۱۳۸۸ .
۸. فساد مالی و اقتصادی ، ریشه ها ؛ پیامدها ؛ پیشگیری و مقابله ، موسسه تحقیقاتی تدبیر اقتصاد ، جلد اول .
۹. کاشفی ، حسین ، بررسی راه های توسعه بازارچه های مرزی استان کردستان و نقش آنها در اقتصاد استان ، تهران : موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی ، ۱۳۸۳ .
۱۰. گل محمدی خامنه ، علی ، پیشگیری از جرایم ، تهران ، قلم آذین ، ۱۳۸۷ .
۱۱. محمد نسل ، غلامرضا ، مبانی پیشگیری از جرم ، تهران ، میزان ، ۱۳۹۱ .



۱۲. محمودی، حسین، مبارزه با جرایم اقتصادی، موسسه انتشاراتی جهان جام جم، ۱۳۸۴.
۱۳. معظمی، شهلا، بزهکاری کودکان و نوجوانان، تهران، دادگستر، ۱۳۹۱.
۱۴. دکتر معین، محمد، فرهنگ فارسی، تهران، امیرکبیر، چاپ بیست و هفتم، ۱۳۹۱.
۱۵. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، هاشم بیگی، حمید، دانشنامه جرم شناسی، تهران، گنج دانش، ۱۳۹۰.

### ب) مقالات

۱۶. ارمغان، سیمین، جایگاه بازارچه های مرزی در افزایش اشتغال و کنترل قاچاق استان های مرزی، مجموعه مقالات همایش ملی پایانه ها و بازارچه های مرزی، فرصت ها و چالش ها، دانشگاه ایلام، سال ۱۳۸۹.
۱۷. امانپور، سعید، نادری، کاوه، عیصافی، عیوب، منصوری میانرود، فریبرز، بررسی تحلیل اثرات بازارچه های مرزی بر ساختار اقتصادی و اجتماعی شهرها (نمونه موردی؛ شهر جوانرود)، همایش شهر های مرزی و امنیت؛ چالش ها و رهیافت ها، ۳۰ و ۳۱ فروردین ۱۳۹۱، دانشگاه سیستان و بلوچستان.
۱۸. زالی، نادر، بررسی و تحلیل نگرش های جغرافیایی در توسعه منطقه ای و تطبیق آن با ویژگی های استان آذربایجان شرقی، نشریه دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، سال ۱۳۸۳.
۱۹. قادرزاده، امید، محمدپور، احمد، قادری، امید، مطالعه کیفی تاثیرات بازارچه مرزی بر تداوم پدیده قاچاق، سال بیست و چهارم، شماره پایایی ۵۱، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۲، صص ۱۹۴-۱۷۵.
۲۰. عاشری، امامعلی، نورمحمدی، سمیه، دکتر قادری، رضا، رستمی، علیرضا، ارزیابی اثرات اقتصادی - اجتماعی و امنیتی احداث بازارچه های مرزی و نقش آن

در توسعه مناطق مرزی (نمونه: موردی: بازارچه مرزی جوانرود)، دومین همایش ملی راهکارهای توسعه اقتصادی با محوریت برنامه ریزی منطقه ای، دانشگاه آزاد اسلامی سنندج، خرداد ۱۳۹۱.

۲۱. عبدی، عرفان، ارزیابی اثرات اقتصادی بازارچه های مرزی بازتاب های توسعه مناطق مرزی؛ مطالعه موردی: بازارچه مرزی شیخ صالح شهرستان ثلاث باباجانی استان کرمانشاه، فصلنامه ژئوپلیتیک، تابستان ۱۳۸۷.

۲۲. فتح الهی، سعید، و همکاران، بازارچه های مرزی در امنیت اقتصادی مناطق مرزی مهران، فصلنامه علمی تخصصی دانشکده علوم و فنون مرز، سال دوم، پیش شماره ۲.

۲۳. محمودی، علی، حسن زاده، محمد، برآورد اثرات مبادلات از طریق بازارچه های مرزی بر درآمد گمرکی دولت، فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی، شماره ۳۲، پاییز ۱۳۸۳.

### ج) پایان نامه ها

۲۴. شیرکش، محمد صیاد، بررسی عوامل موثر بر قاچاق سوخت و راه های پیشگیری از آن (مورد مطالعه: مرز شهرستان قصر شیرین در سال ۱۳۹۳)، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد علوم و تحقیقات کرمانشاه، دی ۱۳۸۹.

۲۵. ضیائی، محمد رضا، بررسی پدیده قاچاق کالا و ارزیابی برنامه های نیروی انتظامی استان هرمزگان در کنترل آن، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس، شهریور ۱۳۸۹.

۲۶. عبدی، عرفان، تحلیل اثرات توسعه ای بازارچه های مرزی بر نواحی روستایی پیرامون نمونه موردی: بازارچه مرزی شیخ صالح، شهرستان ثلاث باباجانی، استان کرمانشاه، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس، اردیبهشت ۱۳۸۸.





پروفیسر شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی